



ایران، اوپک و بازار نفت

اشاره: ایران یکی از مؤسسان اوپک بوده و در تمامی مدت عمر این سازمان با توجه به حجم بالای تولید همواره نقش برجسته‌ای را در این سازمان ایفاء کرده و این امر به همراه نقش سیاسی اقتصادی نفت خام و تأثیرگذاری آن در روند اقتصادی کشورهای دیگر به مراتب اهمیت این امر را دوچندان نموده است. اما اکنون ایران پس از نزدیک به ربع قرن، تصمیم به تغییر نماینده خود در هیأت عاملی اوپک گرفته است که این امر می‌تواند تغییر در نگرش‌های سازمانی را در آینده سبب شود. بر این اساس گفتگویی با محمد علی خطیبی نماینده جدید ایران در هیأت عامل اوپک انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

می‌کنند. ریاست هیأت عامل بر خلاف دبیر کلی ادواری بوده و به نوبت تمام کشورهای عضو این مسئولیت را برعهده می‌گیرند. از دیگر مسئولیت‌های هیأت عامل تصمیم‌گیری در خصوص مسایل مالی، هزینه‌ها، بودجه و جذب نیروی انسانی در سازمان است که برخی از این تصمیمات در هیأت تصویب و برخی دیگر برای تصویب نهایی به اجلاس وزرا فرستاده می‌شود. سومین سطح ارتباطی هر کشور با سازمان، نماینده ملی هر کشور است که رابط با دبیرخانه بوده و در حوزه مسایل ملی، تحقیقاتی و شرکت در جلسات تخصصی اوپک فعالیت

◀ نمایندگان کشورها در هیأت عاملی اوپک چه وظایفی را برعهده دارند؟

هر کشور عضو در سه سطح در سازمان اوپک نمایندگی را دارد که هر نماینده وظایف خاصی را دنبال می‌کند، که در این میان نمایندگان کشورها در هیأت عامل اوپک قدری اجرایی‌تر از دیگران هستند. در اولین و بالاترین سطح نمایندگی، وزرای نفت کشورهای عضو بوده و پس از آن‌ها، نمایندگان کشورها در هیأت عاملی اوپک قرار دارند. این نمایندگان، به مانند اعضای هیأت مدیره عمل کرده و کلیه کارهای اداره دبیرخانه سازمان و برگزاری جلسات و نشست‌ها را سیاست‌گذاری

سیاست های ما در اوپک از سوی وزیر نفت و در برخی موارد مقامات بالاتر تعیین می شود و لذا این امر نمی تواند نشان دهنده تغییر سیاستی خاص باشد. البته لازم است تا مدیریت ها به اندازه ای طولانی نشوند که مجموعه به جای وابستگی به سیستم به افراد وابسته گردد.

◀ برنامه شما برای استفاده بیشتر از پتانسیل های دبیرخانه اوپک چیست؟

ما به عنوان یک عضو بخشی از هزینه های دبیرخانه را می پردازیم و اگر امکاناتی در دبیرخانه وجود دارد باید بتوانیم استفاده کنیم. البته امکان ارتباط مستقیم مؤسسات مطالعاتی داخلی با دبیرخانه وجود ندارد، اما امکانات منتقل شده به داخل کشور در هر سطح باید در دسترس متقاضیان قرار گیرد و مراکز مطالعاتی نباید از این امکانات منع شوند. همچنین باید تعاملاتی با مؤسسات مطالعاتی داخلی ایجاد شود تا ما از نیازهای آن ها مطلع شده و متقابلاً از پتانسیل های آن ها استفاده کنیم. باید تعاملات با مراکز تحقیقاتی و دانشگاه ها گسترش یابد و این تصور ایجاد نشود که کل برنامه ارتباطی ایران با اوپک تنها در حلقه چند نفر صورت می گیرد.

◀ آیا به دلیل برخی رفتارهای مسئولین پیش از شما، میزان سطح انتظارات از پست هیأت عامل را بیش از دایره مسئولیت خود نمی دانید؟

این امکان وجود دارد که مواضع و صحبت های نمایندگان ایران در گذشته، به دلیل دیگر مسئولیت های آن ها بوده و ارتباطی با مواضع نمایندگی در هیأت عامل اوپک نداشته باشد. چرا که هر فرد در هیأت عامل شرح وظایف مشخصی داشته و در جلسات تعیین شده ای نیز شرکت می کند. البته برخی از نمایندگان دیگر کشورها در هیأت عامل اوپک، مسئولیت های اجرایی دیگری را نیز در کشور خود دنبال می کند و لذا بخشی از صحبت های این افراد به دلیل حوزه وظایف دیگر آن ها بوده و مرتبط با موضوع اوپک نیست. اما برخی از مسایل و صحبت ها نیز مرتبط با اوپک بوده و خارج از وظایف نیست. برای مثال زمانی که آقای شکیب خلیل رئیس اجلاس وزرا اعلام می کند که اوپک نمی تواند خلاء تولید ایران را در بازار پر نماید، ممکن است عده ای آن را سیاسی بنامند، اما باید توجه کرد که این سخن یک اظهار نظر سیاسی کارشناسی شده اما در حوزه نفت است و همواره نمی توان محدود به خط کشی شده ای را در این حوزه مشخص کرد. همچنین نفت یک کالای سیاسی است و به دلیل این شاخصه، بسیاری از فعل و انفعالات سیاسی در

می کند. ایران همچنین از امسال به عضویت در هیأت اجرائی سازمان IEF نیز پذیرفته شده است (IEF). سازمانی است که در آن کشورهای تولید کننده و مصرف کننده نفت حضور داشته و مقر آن در ریاض (عربستان) است. همچنین هم اکنون ایران به همراه دیگر کشورهای صادر کننده گاز در حال نهایی سازی اساسنامه سازمان کشورهای صادر کننده گاز است.

◀ آیا در جلسات IEF شما به عنوان نماینده ایران شرکت دارید یا نماینده دیگری معرفی شده است؟

این امکان وجود دارد که از سوی کشورهای عضو اوپک نمایندگان دیگری در هیأت اجرائی IEF معرفی شوند، اما معمولاً نمایندگان هیأت عامل اوپک کشورهای عضو اوپک برای این امر معرفی می شوند.

◀ آیا در GECF نیز کشورها همین گونه عمل می نمایند؟

در سازمان کشورهای صادر کننده گاز اعضای عضو سازمان اوپک معمولاً نمایندگان خود در هیأت عامل را برای جلسات معرفی می کنند اما موارد استثناء هم وجود دارد که نمایندگان دیگری از بخش گاز کشورهای مربوطه معرفی می شوند.

◀ به نظر شما آیا اعضای هیأت عامل به دلیل نقش خاص نفت می توانند علاوه بر مسئولیت های تعریف شده، به عنوان دیپلمات های نفتی در ارتباط با نمایندگان دیگر کشورها نیز نقش آفرینی کنند؟

مباحث جلسات هیأت عامل از قبل مشخص و در ارتباط با دبیرخانه است. اما با این حال آن ها همواره گزارش های خود را به وزرای نفت ارائه کرده و قبل از شرکت در جلسات، گفتگو و مشورت هایی با وزرا خود دارند. در نتیجه موضع گیری این اعضا در هیأت عامل به نوعی مواضع رسمی کشورها است و هرگونه جمع بندی در هیأت عامل تسهیل کننده تصمیم گیری های بعدی در جلسات وزرا خواهد بود. اما در کنار این امر، به دلیل مطرح شدن موضوعاتی چون عرضه، تقاضا، ذخیره سازی و... در جلسات اقتصادی اوپک و بحث در خصوص آن ها از سوی نمایندگان ملی، سطح ارتباطی کشورها در این حوزه بیشتر بوده و شناخت مواضع دیگر کشورها نیز راحت تر خواهد بود، چرا که در بسیاری از موارد همین مواضع در اجلاس وزرا دنبال می شود. بنابراین نمایندگان ملی گزارش های خود را به مقامات بالاتر ارائه می کنند تا از مواضع دیگر کشورها مطلع باشند.

◀ آیا انتخاب شما به عنوان نماینده ایران در هیأت عامل اوپک مؤید تحولاتی در سیاست ایران در اوپک خواهد بود؟

یک یورو ارزش دارد. در واقع ارزش دلار به شدت کاهش یافته است و قیمت حدود ۱۴۰ دلار کنونی با حدود ۷۰ دلار سال ۲۰۰۳ برابری می کند. به عبارت دیگر قیمت های کنونی نسبت به قیمت دهه ۸۰ میلادی تنها ۳۶ دلار است.

◀ پس به نظر شما توجیه پذیر بودن قیمت های فعلی باعث برآورده نشدن خواسته مصرف کنندگان از اجلاس جده شد؟

افزایش قیمت های فعلی متأثر از عوامل گوناگونی است. عامل دیگر سطح فعلی قیمت ها عدم توجه به سرمایه گذاری در گذشته است. در سال هایی که نفت ۷-۸ دلار بود و تولید کنندگان به شدت با مشکل مواجه بودند مصرف کنندگان حتی اجازه مطرح شدن این مشکلات را در جلسات مشترک نمی دادند و تنها به بیان این امر که قیمت در بازار تعیین می شود بسنده می کردند. در نتیجه با قیمت های آن زمان اغلب سرمایه گذاران رغبتی به سرمایه گذاری در صنعت نفت نداشتند و توجه کافی به سرمایه گذاری نشد. ولی اکنون در سطح قیمت های فعلی مصرف کنندگان دیدگاه خود را نسبت به تعیین قیمت در بازار و روند بازار آزاد تغییر داده و خواهان دخالت در روند بازار و مهار قیمت ها در اجلاس جده شدند. اما پس از اجلاس جده باز هم قیمت ها کماکان افزایش یافت، چرا که اگر تولید کنندگان

از ۱۵-۱۰ درصد ظرفیت مازاد برخوردار بودند دخالت در روند بازار امکان پذیر بود ولی به دلیل عدم سرمایه گذاری کافی در گذشته این ظرفیت ها به حداقل خود رسیده و تأثیری بر بازار نخواهد داشت. در صورت استفاده از فشارهای روانی و سیاسی نیز تأثیرات تنها کوتاه مدت و مقطعی خواهد بود و بازار به سرعت متوجه این امر خواهد شد. اکنون سالانه نزدیک به ۷۵ میلیون بشکه به تقاضای جهانی افزوده می شود و برای پاسخ گویی به آن باید حداقل ۵-۴ سال گذشته سرمایه گذاری لازم صورت می پذیرفت. بنابراین برای جوابگویی به نیاز آینده باید اکنون سرمایه گذاری صورت گیرد.

◀ چرا در حالی که کشورهای مصرف کننده نسبت به قیمت های بالا اعتراض دارند، اما باز مالیات های سوخت را افزایش می دهند؟

این کشورها از یک سو از قیمت های بالای نفت خام شکایت دارند و از سویی دیگر میزان مالیات دریافتی از فرآورده ها را

این حوزه انجام شده و یا بسترسازی در این بخش صورت می پذیرد. بنابراین بین سیاست و نفت یک حوزه مشترک وجود دارد و برای این منطقه مشترک نفت و سیاست مرزها کاملاً شفاف و واضح نیستند. البته این حوزه مشترک بین کالاهای مختلف و سیاست همیشه وجود داشته و به طور جامع تری می توان مابین اقتصاد و سیاست این حوزه را دید. البته باید کالاها را در ظرف زمان دیده و بررسی نمود.

◀ به نظر شما دلایل اصلی افزایش قیمت نفت خام در سال های اخیر چیست؟

نفت مانند دیگر کالاهای تجدیدپذیر و انرژی های فسیلی، فناپذیر است و زمانی تولید آن شروع و زمانی به پایان می رسد. بنابراین هر چه به اتمام آن نزدیک می شویم بر اهمیت این کالا افزوده می شود. اکنون تولید نفت به اوج خود نزدیک شده و

بسیاری از مخازن اصلی و مهم نیمه دوم عمر خود را طی می کنند و حتی برخی از کشورهای مهم تولید کننده، تولیداتشان با سقوط آزاد مواجه شده است. به طبع در نیمه دوم عمر مخازن نفت به جز هزینه های بالا و سختی تولید و تولید از مخازن کوچک جدید امر دیگری پیش بینی نمی شود. در این شرایط افول انرژی های فسیلی انسان را به

سمت استفاده از انرژی های جایگزین سوق می دهد و هر چه زودتر به سمت این انرژی ها حرکت نمایم در سال های آینده مشکلات کمتری را خواهیم داشت. اما اکنون مصرف کنندگانی که به سمت سوخت های گیاهی رفته و بدون اخذ مالیات و دادن سوبسید هنوز با مشکل قیمت های تمام شده بالا مواجه هستند، نه تنها بحران انرژی را حل نکرده اند بلکه بحران مواد غذایی را نیز در جهان بوجود آورده اند. بنابراین انسان باید بیش از این ارزش واقعی انرژی های فسیلی را درک کرده و به جای استفاده به عنوان سوخت، بیشتر از ارزش ذاتی آن ها بهره ببرد.

اما با این وجود دلیل اصلی گرانی فعلی سوخت های فسیلی ارزانی این سوخت ها در دهه های ۹۰ و ۸۰ میلادی است، ضمن آن که بسیاری از ارقام کنونی گمراه کننده است. در سال ۲۰۰۳ هر ۱/۸ دلار معادل یک یورو بود اما اکنون هر ۱/۶ دلار



به نسبت افزایش قیمت های نفت خام افزایش داده اند که این امر قیمت نهایی فرآورده ها را به شدت بالا برده است. آن ها با اخذ مالیات ارتباط تولید کنندگان و مصرف کنندگان نهایی را در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی قطع کردند و از قیمت های پایین این دو دهه بیشترین سود را بردند. اما اکنون که حاضر به کاهش میزان مالیات های دریافتی از فرآورده های نفتی نیستند، انگشت اتهام را با بی انصافی به سمت کشورهای تولید کننده و اوپک نشانه می روند. اکنون سطح مالیات ها در این کشورها بسیار بالا است و درآمد کشورهای صنعتی از مالیات سوخت بیش از درآمدی است که تولید کنندگان با تخلیه ذخایر خود به دست می آورند. اگر این دولت ها نگران مصرف کنندگان نهایی هستند باید سطح مالیات ها را کاهش داده و یا حداقل با افزایش قیمت نفت خام، مالیات ها را بیش از این افزایش ندهند.

چه دلایل دیگری سرمایه گذاری در صنعت

نفت را دچار مخاطره نموده است؟

در رفتار کشورهای مصرف کننده از دیدگاه تولید کنندگان تضادهایی وجود دارد که سرمایه گذاری در صنعت نفت را تحت تأثیر قرار داده است. مصرف کنندگان بزرگ به ویژه

کشورهای صنعتی اکنون سیاست خود را کاهش تقاضا، حداقل وابستگی به نفت و جایگزینی سوخت های دیگر به جای نفت خام اعلام می کنند اما به تولید کنندگان فشار می آورند تا تولید خود را افزایش دهند و سرمایه گذاری نمایند. در نتیجه به دلیل امنیت تقاضا، سرمایه گذاران تمایل لازم برای سرمایه گذاری در این بخش را ندارند. تضاد دیگر عدم اجازه ساخت پالایشگاه به سرمایه گذاران در کشورهای صنعتی است. اکنون نزدیک به ۳۰ سال است که در آمریکا پالایشگاه جدیدی ساخته نشده و در اروپا نیز به سختی فقط اجازه توسعه پالایشگاه های موجود داده می شود. این در حالی است که نفت خام تولیدی باید پالایش شود و هم اکنون یکی از دلایل قیمت های بالای نفت خام نبود ظرفیت پالایشی کافی است و در صورت ادامه این روند در آینده شرایط به مراتب سخت تر خواهد بود. آن ها نباید انتظار داشته باشند که تمام بار مسئولیت تولید، پالایش و انتقال نفت خام بر عهده تولید کنندگان باشد، چرا که این کشورها به واقع ظرفیت پذیرش تمامی بار این

مسئولیت را ندارند.

از سویی دیگر کشورهای مصرف کننده انتظار دارند تا همواره برای کنترل بازار ظرفیت های مازاد به مانند گذشته به میزان ۵-۱۰ میلیون بشکه در روز در اوپک وجود داشته باشد، اما اگر آن ها به ظرفیت های مازاد نیاز دارند چرا باید تولید کنندگان هزینه آن را پرداخت کنند و چرا آن ها خودشان هزینه های ظرفیت مازاد را نمی پردازند یا حداقل در بخشی از آن مشارکت نمی نمایند. تضاد دیگر، ادعای آزاد بودن بازار نفت در قیمت های پایین و نقض این امر در قیمت های بالا است. آن ها انتظار افزایش عرضه از سوی کشورهای تولید کننده را در حالی دارند که روز به روز مشارکت کشورهای مصرف کننده در افزایش تولید کمتر می شود و در برخی از مناطق علاوه بر این امر دیگران را نیز با اعمال تحریم از سرمایه گذاری منع می کنند و یا به نحوی منطقه خاورمیانه را با تنش مواجه کرده و ایجاد ناامنی نموده اند که سرمایه به این منطقه کمتر وارد می شود.

◀ آیا همچون شوک نفتی دهه ۷۰ باز هم کشورهای صنعتی در مقابل افزایش قیمت نفت آسیب پذیر بوده و آثار آن را در رشد اقتصادی آن ها خواهیم دید؟

در سال های اخیر برخلاف دهه ۸۰ با افزایش قیمت های نفت، اقتصاد جهانی دچار رکود نشد چرا که کشورهای صنعتی متوجه شده اند که برای ادامه رشد اقتصادی خود نیازمند انرژی هستند و حتی اگر حامل های جایگزین نفت را نیز استفاده کنند با قیمت های بالا و مشکلات دیگر مواجه خواهند بود. همچنین در دهه ۹۰-۸۰ میلادی بیشترین رشد تقاضا از سوی کشورهای OECD بود، اما اکنون بیشترین سطح افزایش تقاضا از سوی کشورهای آسیایی به جز کشورهای OECD مطرح است. در سال اخیر ۴۰ درصد افزایش تقاضا در کشورهای هند و چین و ۴۰ درصد افزایش سطح تقاضا از سوی کشورهای خاورمیانه بوده و تنها ۲۰ درصد افزایش تقاضا متعلق به کشورهای دیگر جهان است. اکنون افزایش دهنده سطح تقاضا کشورهای آسیایی هستند که با وجود قیمت های بالای نفت از رشد بالایی برخوردار هستند. بنابراین تازمانی که کشورهای آسیایی تصمیم به گذر از دوران توسعه یافتگی را دارند، نیازمند انرژی هستند و نمی توانند سطح تقاضای خود را چندان کاهش دهند و باید

در سال ۲۰۰۳ هر ۰/۸ دلار معادل یک یورو بود اما اکنون هر ۱/۶ دلار یک یورو ارزش دارد. در واقع قیمت های کنونی نسبت به قیمت دهه ۸۰ میلادی تنها ۳۶ دلار است.

صورت گرفته و کارایی مصرف انرژی را بالا ببریم، اما کشورهای صنعتی پس از طی مراحل توسعه یافتگی این مباحث را مطرح نموده‌اند و در ابتدای مراحل توسعه یافتگی این مباحث همچون یک مانع خواهند بود. همچنین سطح درآمدهای سرانه در کشورهای صنعتی به مراتب بالاتر از کشورهای تولیدکننده نفت است و در نتیجه نمی‌توان فشاری که آن کشورها بر مردم خود برای بهینه‌سازی مصرف انرژی وارد می‌کنند به مردم کشور خودمان وارد نماییم. باید قیمت‌ها را آزاد و پارانه‌ها حذف گردد اما این امر باید در چارچوب درآمد سرانه مردم و برهه زمانی خاص انجام پذیرد.

◀ **اما اگر روشهای غیرقیمتی مثل تشکیل ESCO ها به کار گرفته شوند که بار هزینه‌ای کمتری را دارند. آیا این راهکارها همچنان پاسخگو و قابل بررسی نخواهند بود؟**

در صورتی که راهکارها غیرقیمتی بوده و بر اقتصاد خانواده‌ها فشار وارد ننماید، هیچ کس با آن‌ها مخالف نیست ولی برای اجرای این راه‌حل‌ها باید تکنولوژی‌های مربوطه به کشورهای تولیدکننده وارد شود، اما اکنون کشورهای صنعتی تنها تکنولوژی‌های رده پایین خود را به کشورهای تولیدکننده می‌دهند. البته باید از مرحله‌ای به بعد ما بتوانیم خود به خلق تکنولوژی بپردازیم و واحدهای تحقیق و توسعه لازم است تا بسیار مورد توجه قرار گرفته و به عنوان قلب صنعت عمل نمایند. در غیر این صورت با روند موجود همیشه وابستگی تکنولوژیکی وجود خواهد داشت و همواره مراکز تحقیقاتی در حاشیه قرار خواهند گرفت.

◀ **نظر شما در مورد تئوری خروج از اوپک چیست؟**

ما همیشه و در هر برهه‌ای باید مزایا و منافع حضورمان را در اوپک ارزیابی کنیم. این که به صورت مطلق همیشه تصور نماییم که باید در اوپک باشیم و یا از اوپک خارج شویم یک مطلق‌گرایی است و هرگاه بینیم مضرات حضور ما از منافع ما بیشتر است وقت تصمیم‌گیری است. اما اکنون منافع حضور ما از مضرات آن بیشتر است و با حفظ حضورمان در سازمان می‌توانیم منافع بیشتری داشته باشیم. در عین حال به صورت کلی در حرکت‌های جمعی منافع اعضا بیشتر از حرکت‌های فردی تأمین می‌شود.

در جهت ظرفیت‌سازی باید یک مشارکت جدی بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان صورت گیرد. البته ایجاد ظرفیت اضافی برای پاسخ‌گویی به تقاضا باید در تمام زنجیره صنعت نفت صورت گیرد.

همچنین در صورتی که قیمت‌ها از این سطح کاهش یابند بسیاری از طرح‌های سرمایه‌گذاری متوقف می‌شوند، بنابراین اگر خواهان عملکرد مناسب این زنجیره هستیم باید قیمت‌ها متناسب با سرمایه‌گذاری‌های انجام شده باشد. پس بهتر است که واقعیت‌ها را پذیرفته و اجازه دهند تا به صورت شفاف قیمت در بازار تعیین شود و این زنجیره حرکت نماید و نیازهای آتی تأمین شود. اما در صورتی که بخواهند در روند بازار دخالت نمایند، در آینده هزینه بیشتری متوجه مصرف‌کنندگان نهایی خواهد شد.

◀ **با توجه به تجربه تولیدکنندگان در شوک اول نفتی به نظر شما آیا**

اکنون از دلارهای نفتی بهتر از گذشته استفاده می‌شود؟

اگر کشورهای تولیدکننده نتوانند از نفت خود به درستی استفاده کنند در آینده و با اتمام آن شانس زیادی نخواهند داشت و به طبع با مشکل مواجه خواهند شد. لازم است تا این پول‌ها در جریان‌های اقتصادی سرمایه‌گذاری شود تا به نحوی وابستگی به خام‌فروشی نیز برطرف گردد. اکنون همین امر توسط برخی از کشورها نظیر نروژ و کویت در حال انجام است و سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها بیش از درآمدهای نفتی است. در نتیجه جهت مشخص بوده و در صورتی که غیر از این عمل نماییم، این درآمدها از دست خواهد رفت و مشکلات در آینده بیشتر خواهد بود. البته برای انجام این امر ساز و کارها و مدیریت خاص و پویا لازم است نه این که هر روز بخشی از این پول برای مصارف روزمره استفاده شود.

◀ **با توجه به این که شاخص شدت انرژی کشورهای عضو اوپک از**

متوسط جهانی به مراتب بالاتر است، آیا بهتر نیست اوپک به عنوان راه‌حلی برای افزایش صادرات، مصرف خود را بهینه نماید؟

برای حرکت به سمت بهینه‌سازی مصرف انرژی مراحل توسعه یافتگی کشورهای عضو اوپک مهم بوده و در صورتی که این کشورها در مراحل ابتدایی توسعه یافتگی قرار دارند تا حدودی طبیعی است که همین روند ادامه یابد. البته باید توجه کرد که تا حد امکان صرفه‌جویی